

آداب و شروط تعلیم و تعلم

فایده اول: بدان که، برای هر یک از تعلیم و تعلم، آداب و شروطی است. اما آداب تعلم چند چیز است:

اول آنکه: طالب علم احتراز کند از پیروی شهوات نفسانیه و هواهای جسمانیه، و آمیزش با اهل دنیا و مصاحبت ارباب هوا و هوس؛ و بداند که، همچنان که چشم ظاهر هر گاه « مأوف » باشد، از شعاع خورشید محروم است، همچنین دیده باطن هر وقت مبتلا به متابعت هوا و هوس و مصاحبت اهل دنیا باشد، از اشعه انوار قدسیه که محل افاضه علوم است، بی نصیب می باشد.

دوم اینکه: باعث تعلم محض، تقرب به خدا و رسیدن به سعادت بی منتها و ترقی از مرتبه « بهیمیت »^۲ و دخول در عالم انسانیت میباشد؛ و مقصود او، مرا و جدال یا رسیدن به منصب و مال یا مفاخرت و تفوق بر امثال و اقران نباشد.

سوم آنکه: آنچه را فهمید و دانست، به آن عمل کند؛ که هر کس به علم خود عمل نکرد، آنچه را دانسته، فراموش می کند، و هر که به علم خود عمل کند، خدا به او کرامت می فرماید علم آنچه رانمی داند.

از امام زین العابدین (ع) روایت شده که: « علمی که به آن عمل نشود، زیاد نمی کند برای صاحبش، مگر کفر و دوری از خدا را. »^۳ و از حضرت پیغمبر (ع) روایت شده که فرمودند: « اهل دوزخ متأذی می شوند از بوی عالمی که به علم خود عمل نکرده باشد. » و فرمودند:

« اشدّ مردم از جهت حسرت و پشیمانی، کسی است که دیگری را به خدا خوانده باشد و او قبول نموده، و به آن سبب داخل بهشت می شود، و آن شخص خواننده خود به جهت ترک عمل به آنچه دانسته بود، داخل دوزخ می گردد. »^۴ بلی:

چو علمت هست، خدمت کن، که زشت آید بر دانا گرفته چینیان احرام و مکی خفته در بطحا

چهارم آنکه: حقوق معلم خود را بشناسد و ادب او را نگاه دارد، و فروتنی و خشوع نسبت به وی به جا آورد، و در برابرش سخنی را بر او رد نکند، و به دل، وی را دوست بدارد، و اگر بد او مذکور شود، رد نماید، و اگر نمی تواند، برخیزد، و حقوق او را فراموش نکند، زیرا او

پدر معنوی و والد روحانی اوست و حقوقش از سایر آبا بیشتر است. و همچنین ملاحظه ادب و احترام سایر علما را بکند، بخصوص

کسانی که از علم آن ها متنفع شده و یا علمشان با واسطه به او رسیده؛ زیرا آن ها نیز پدران با واسطه وی هستند. و به مجرد اینکه

چیزی از مطالب آن ها به فهم ناقص او نرسد، زبان اعراض و طعن نگشاید و نسبت غلط به ایشان ندهد؛ و اگر بعد از سعی و جهد،

مطلبی از ایشان در نظر او صحیح نباشد و خواهد اعتراض نماید، آن را بر وجهی مستحسن و عبارتی مقرون به ادب ادا نماید.

پنجم آنکه: نفس خود را از اخلاق رذیله و اوصاف ذمیمه پاک کند؛ زیرا مادامی که لوح نفس از نقوش باطله پاک نشود، انوار علوم بر

آن نمی تابد، و تا آیینة دل از زنگ صفات رذیله پرداخته و پاک نگردد، صور علمیه در آن عکس نمی اندازد.

۳. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۸، ح ۶۱.

۱. آفت زده (کور).

۴. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۳۴، ح ۳۰.

۲. خوی حیوانی.